



## قطعنامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست در باره

## خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی

۱. جامعه ایران وارد یکدوره انقلابی شده است. مهمترین مشخصه و سوال محوری دوره انقلابی، تشدید جدال سیاسی و کشمکش طبقاتی بر سر قدرت سیاسی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در تحولات جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی، سازماندهی انقلاب کارگری، کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت کارگری مبارزه می کند.

۲. خیزش انقلابی جاری جنبش توده ای سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی حلقه ای از انقلاب کارگری و سوسیالیستی در ایران و یک سکوی خیزشهای انقلابی و توده ای در کشورهای اسلام زده و استبدادی در منطقه است. ماهیت حرکت انقلابی جاری در ایران ملی و قومی و مذهبی نیست، خصلتی جهانی و مدرنیستی و آزادیخواهانه و ضد تبعیض دارد. انسانگرایی و برابری طلبی قوی این جنبش خصلت سوسیالیستی آنست.

۳. جنبش سرنگونی و خروش انقلابی جاری یک رادیکالیسم اجتماعی چپ را نمایندگی میکند. جنبشی بشدت زنانه، با نقش مبتکرانه نسل جوان پیشرو، ضد تمامیت جمهوری اسلامی و ضد مذهب، با پتانسیل بالای ضد کاپیتالیستی است. این واقعیت رسانه ها و نیروهای سیاسی راست را هراسان کرده و با تبیین وارونه خود از تحولات ایران با عنوانی مانند؛ "انقلاب ملی ایران"، "انقلاب دموکراتیک ایران" و "انقلاب فمینیستی" نام میبرند. این عناوین وارونه هیچکدام کاراکتر اجتماعی جنبش سرنگونی و انقلابی را منعکس نمی کنند و تلاشهایی برای مسخ و مهار این جنبش اند. بدون تردید انقلابی در راه است، انقلاب کارگری که چشم انداز تحقق آن منشأ امید طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه و مایه هراس بورژوازی جهانی و محلی است.

۴. یک مشخصه مهم خیزش انقلابی زنانه در ایران ضد مذهبی بودن آنست. برای اولین بار در تاریخ افق یک رنسانس ضد اسلامی پدیدار شده است که نه فقط میتواند سیمای خاورمیانه را تغییر دهد، بلکه صورت مسئله اسلام سیاسی را در جهان عوض میکند. حجاب سوزان، طناب دار سوزان، اعلام بیزاری از دین و آئین اسلام و آخوند بعنوان سمبل جاهلیت، بارقه های یک موج برگشت قوی آنتی اسلامیستی است. در صحنه سیاست ایران تنها نماینده پرشور این آنتی اسلامیسم جنبش کمونیستی کارگری است.

۵. تشدید بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رژیم، برآمدهای توده ای و انزجار وسیع از جمهوری اسلامی، اضمحلال و سرنگونی رژیم را بیش از هر زمان به یک امر ممکن و در دسترس تبدیل کرده است. در پنجمین ماه خیزش انقلابی سراسری، علیرغم سرکوب خشن، جامعه امیدوار ایران بسان کوه آتشفشان زبانه می کشد و مساله آینده و قدرت سیاسی را در مقابل کارگر و کمونیسم قرار داده است. یک فرصت تاریخی فراهم شده است تا طبقه کارگر و کمونیسم کارگری بتواند در راس جنبش برای آزادی و برابری، برای رهایی زن، برای نفی فقر و فلاکت، برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی قرن بیست و یکمی شود.

۶. خروش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، دنیائی از اتحاد مبارزاتی و ابتکار سیاسی و فرهنگی ببار آورده است. مهمترین دستاوردهای چهار ماه خیزش انقلابی عبارتند از: تحمیل عقب نشینی به حکومت و کنار انداختن حجاب در سطح وسیع، استمرار و سراسری بودن جنبش، خسته کردن و ریزش از درون نیروی سرکوب، بی اعتبار کردن نمادهای اقتدار حکومت و حمله مستمر به آنها، حاشیه ای کردن سیاستهای تفرقه اندازانه مذهبی و ملی و قومی، ایجاد اتحاد بین بخشهای مختلف مردم، بازگرداندن امید به جامعه در مقیاس وسیع، عبور از فاز مطالبه گری به فاز انقلابی و جنگ رودررو با حکومت، جلب حمایت بیسابقه و گسترده افکار عمومی پیشرو جهان، اتکا به تجارب نبردهای پیشین و متشکل شدن در سطح ارگانهای انقلابی محلات، تغییر ادبیات سیاسی و منش جامعه و تقویت همبستگی است.

۷. جنبش انقلابی متکی به درجه ای از سازماندهی و رهبری در مقیاس محلی، تاکنون پیشروی نموده است، اما ادامه پیشروی

## پژاک و "پیماننامه مدینه"

## بازی در زمین جمهوری اسلامی

همایون گدازگر

آمد شاهو عضو رهبری پژاک اخیرا در مصاحبه ای تلویزیونی برگ دیگری از نقشه پیش روی این جریان، آنهم در دل تحولات انقلابی اخیر در ایران را افشا کرده است. اشتباه است اگر تبلیغ ارتجاع اسلامی و اسلام ناب محمدی از جانب این جریان را به اعتقادات مذهبی این جریان و افراد آن مربوط دانست. تعریف و تمجید از "پیماننامه مدینه" و تظہیر اسلام ناب محمدی نقشه راه و سیاست این جریان در مقابل جنبش رادیکال سرنگونی جمهوری اسلامی است.

نقشه راهی که اتفاقا از جانب حزب مادر یعنی پ ک ک در سالهای گذشته در کردستان سوریه

← ۳

## همچنین در این شماره میخوانید:

مبارزه برای آزادی و برابری در همه عرصه های زندگی!	ملکه عزتی	صفحه ۴
وکالت، رضایه پلوی و احزاب ناسیونالیست کرد	صالح سرداری	صفحه ۵
بحران ایدولوژیک پ ک ک و اقمارش	جمال کمانگر	صفحه ۶
کردستان در تحول انقلابی برای سرنگونی	سعید یگانه	صفحه ۷
اکتبر می رسد:		
در تقابل با تلاش جنبش راست نباید غافل بود.	عبدله دارابی	صفحه ۸

← ۲

## ۱. ... قطعنامه دفتر سیاسی حزب

موثرتر در گرو سازمانیابی بیشتر شبکه ها و ارگانهای انقلابی در محلات و مراکز کار، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، میان جنبشهای اجتماعی رادیکال و مهمتر تامین رهبری سراسری است. برای تامین رهبری سراسری و تضمین پیروزی خیزش انقلابی باید طبقه کارگر سوسیالیست ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرد. سیاست حزب حکمتیست رفع موانع و محدودیتهای سد راه طبقه کارگر و تقویت شبکه های متحد رهبران و فعالین کارگری پیشرو و ایجاد سازمانهای توده ای و حزبی کارگران برای دخالت موثر در پروسه انقلابی است.

۸. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر اهمیت سازماندهی یک جنبش مجمع عمومی در کارگاهها و واحدهای تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در فقدان هرنوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تامین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش اعتراضی کارگران است. مجمع عمومی ادامه کارترین و موثرترین شیوه سازماندهی توده ای کارگران در شرایط کنونی و یک پیش شرط قدامت کردن یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند در تحولات جاری است.

۹. یک رکن سیاست حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در جنبش سرنگونی و انقلابی جاری در ایران رژیم اسلامی، تفکیک و جدا کردن کارگران و مردم زحمتکش از هر آلترناتیو و افق و سیاست راست و بورژوازی، افشای نقطه سازشهای اپوزیسیون راست، سوق دادن جنبش سرنگونی به سمت موضعی چپ و انقلابی و نه گفتن مردم به کلیت رژیم، دستگاه سرکوب و استثمار و تبعیض و نابرابری است. نباید گذاشت جنبشهای طبقات دارا دوباره سرنوشت جامعه را تعیین کنند. تضمین اینکه اینبار پیروز شویم، در گرو دخالت موثر کارگر و کمونیسم سازمانیافته و متحزب است.

۱۰. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر حساسیت شرایط تاریخی کنونی و رفع موانع حضور متشکل طبقه کارگر و کارگران کمونیست در صف اول جدالهای پیش رو تاکید دارد. دوره جدالهای تعیین کننده برسر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت فرا رسیده است. تحولات امروز ایران فقط برسر سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری و حکومت کارگری در ایران فراهم شده است تاکید میکند. ما رهبران کارگری رادیکال و کمونیستها و آزادیخواهان را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخوانیم!



۲ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳

## حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل

بعنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخصیصات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت میشناسد.

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بخش ۲ فصل ۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran  
Hekmatist



# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



همایون گدازگر

## پژاک و "پیماننامه مدینه"

### بازی در زمین جمهوری اسلامی

زاده و شاخه های آن و جریان آدم کش سلفی ها در شهرهای کردستان، همگی می توانند علیرغم اختلافات موجود بین آنها بر سر سهم خواهی، به مانع خیزش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شوند و باید درمقابل آنها هوشیار بود.

اما جریان پژاک در کردستان ایران با تکیه بر ارتجاع اسلامی و فروختن "پیماننامه مدینه" به جامعه کردستان و بازی کردن در میدان مذهب توده ها نمی تواند نقش حزب مادر یعنی پ ک ک در سوریه را در کردستان ایران بازی کند.

سابقه سیاسی و تاریخی جامعه کردستان ایران بخصوص از انقلاب ۵۷ به اینطرف با بخش های دیگر کردستان متفاوت است. اسلام سیاسی در کردستان ایران هیچوقت با اقبال و استقبال روبرو نبوده. بعلاوه در طی خیزش و مبارزات اجتماعی علیه رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی تحركات اجتماعی در کردستان عمدتاً چپ و تحزب یافته و دارای تاکتیک، سنت و شیوه های مبارزاتی خاص خود بوده است که با تار و پود جامعه کردستان در ۴۳ سال گذشته درهم تنیده است. این سنت ها در بیش از چهار دهه گذشته با تأسی از جریانان و احزاب چپ و راست در یکدیگر عجین شده اند. اینکه خیزش انقلابی اخیر بدینگونه قاطعانه و گسترده در کردستان خودنمایی کرد، در واقع بخشی از مبارزه جویی این سنتهای جا افتاده در جامعه کردستان را با خود داشت.

احزاب و جریانان سیاسی جامعه حزبیت یافته کردستان در خیزش انقلابی که ضدیت با مذهب و عملکردهای ویرانگر آن یکی از خصیصه های آن است در هم آمیخته اند. بخصوص چپگرایی و عدالتخواهی در پرتو این تاریخ مبارزاتی در برآمد انقلابی اخیر در کردستان دست بالا را دارد.

جریان پژاک با این تاریخ و این سنتها بیگانه و به آن بیربط است. موجودیت، منشا و سابقه تاریخی آن ربطی به مبارزات توده ای - اجتماعی مردم کردستان در ۴-۵ دهه گذشته ندارد. در نتیجه ساخت و پاخت گاه و بیگاه و آشکار و نهان آن با جمهوری اسلامی و یا طرح کردن پلاتفرمهای ارتجاعی از قبیل "پیماننامه مدینه" در مقابل خروش خیزش رادیکال فعلی تاب نخواهد آورد.

با اینحال نگاهی به صف بندیهای راست در روزهای اخیر در سطح سراسری و محلی، حکایت از تلاش جریانان اپوزیسیون پرو غرب برای تلاش و همکاری با جریانان مذهبی مخالف جمهوری اسلامی دارند. تا به این وسیله با توطئه و تبانی با جمهوری اسلامی مانع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بدست توده های بجان آمده و جوانان انقلابی بشوند. افشاء طرد و ایستادن در مقابل این طرحهای ارتجاعی چه در کردستان و چه در سطح سراسری وظیفه همه احزاب و تشکل و نهادهای آزادیخواه و چپ و کمونیست است. قطعاً روند رو به پیش خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقش اساسی و قطعی در خنثی کردن این توطئه ها خواهد داشت. اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و انقلابی ضامن خنثی کردن این تهدیدات ارتجاعی است.

\*\*\*

همایون گدازگر

عملی شده و یکی از مولفه های سر پا ماندن رژیم بشار اسد بود. در آنجا دم و دستگاه و ماشین سرکوب رژیم بعث سوریه برای در آمان ماندن از تعرض مردم معترض توسط پ ک ک و اقمار آن در تبابی و بده و بستان با رژیم اسد از هرنوع تعرضی دور ماند که خود داستان دیگری دارد.

در پس تبلیغ و ترویج ارتجاعی آمد شاهو عضو رهبری پژاک مبنی بر اینکه "هدف اصلی اسلام رهایی بشر است" و یا "اسلحه اسلام را باید از دست رژیم ایران گرفت" و اراجیف فراوان دیگری از این دست، طرح یک توطئه علیه خیزش انقلابی حاضر خوابیده است. هرچند سابقه نه چندان طولانی این جریان در کردستان ایران همواره با ارتجاع اسلامی در پیوند بوده است، اما فرموله و تئوریزه کردن ارتجاع اسلامی در اوضاع سیاسی حاضر هدف مشخص تری را دنبال می کند و بیشتر یاد آور تبلیغات جریان داعش و جنایات آن با توجیه دفاع از اسلام ناب محمدی و اسلام راستین است.

تاریخ موجودیت پژاک مملو است از همراهی و باد زدن ارتجاع در منطقه. از رواج شیعه گری و پیروی از "عاشقان کربلا" در ماههای محرم تا پشتیبانی و همدستی با جانورانی همچون رئیس طریقه کسنزانی و تلاش برای تشکیل کنگره دمکراتیک اسلامی و غیره، پرونده سواری دادن این جریان به مرتجعین منطقه است. پایای این سیاستهای ارتجاعی، مناسبات گاه و بیگاهشان با جمهوری اسلامی، این جریان را در اذهان عمومی در کردستان بعنوان جریانی مشکوک ورد زبان خاص عام کرده است.

اما نقش مخرب و مزاحم آنها در کردستان در ادامه خیزش انقلابی اخیر نباید از جانب مردم و رهبران خیزش حاضر و احزاب و نهادهای انقلابی و فعالین سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در کردستان دست کم گرفته شود. در شرایطی که جمهوری اسلامی در سرایش سقوط قرار گرفته است و آلترناتیوهای مختلف برای جایگزینی آن در حال تدارک است، بمیدان آوردن جریانان پوسیده اسلامی با هدف ساخت و پاخت با جمهوری اسلامی می تواند مزاحم انقلاب برحق و عدالتخواهانه حاضر شود. بهمین دلیل در پیش گرفتن چنین راه و روش و سیاستهای ارتجاعی در شرایط حاضر از طرف سازمان پژاک با تمایلات همیشگی آنها با ارتجاع مذهبی متفاوت است و باید آن را شناخت.

ظاهر شدن علمای دینی کردستان در اغلب شهرها در طی خیزش انقلابی با ادعای طرفداری از قیام مردم و در واقع برای به بیراهه بردن خیزش آنها، تلاش های حزب دمکرات کردستان ایران برای سازماندهی آخوند و علمای دینی و تشویق آنها برای دخالت در روند سیاسی کنونی، وجود جریان با سابقه مفتی



## مبارزه برای آزادی و برابری در همه عرصه های زندگی!



ملکه عزتی

زنان معترض و بیزار از تحقیر و بیحقوقی از شروع خیزش انقلابی در شهرهای ایران با جسارت بینظیر حجاب از سربرداشتند و با آتش زدن حجاب علیه یکی از مهم ترین ارکان ایدئولوژیک اسلام و بارزترین خصیصه جمهوری اسلامی به خیابان آمده و در صف مقدم مبارزات مردم محروم علیه سرکوب و استبداد حاکم بارکاد بستند.

در دانشگاهها دست به مقاومت و تعرض زدند و مرتجعین و عوامل حکومتی را بیرون کردند. در زندانها مقاومت کردند و در خیابان به گلوله بسته شدند. از خیابان تا محل کار و زندگی برای تثبیت حق یک زندگی آزاد و برابر و پایان دادن به تحقیر و سرکوب فریاد

برآوردند. ندا و پیام آزادی و برابری زنان در طی این ۴ ماه به گوش میلیون ها انسان در کل دنیا رسید. الگوی زنان کشورهای همسایه شدند. روزنامه های معتبر دنیا مزین به عکس هایشان شد و آوازه شجاعت و مبارزه این زنان دنیا را به احترام واداشت. این روزها زن بودن در جای جای ایران نشان مقاومت و مبارزه علیه زن ستیزی و آپارتاید جنسی حاکم است که در طی ۴۴ سال با کمک قوانین و فرهنگ و سنن عقبمانده در تلاشی ناموفق قصد حذف زنان در کل فضای عمومی و اداری و آموزشی را داشت.

اما در این دنیای مملو از تبعیض و نابرابری زنانی که چشم میلیونها انسان در سراسر دنیا به مبارزه و تلاش آنان خیره شده هنوز قربانی ناموس پرستی و تعصبات کور مردسالارانه و ضد زن میشوند. در طول دو هفته گذشته دستکم قتل ۵ زن به دست اعضای نزدیک خانواده شده. ۵ زنی که تنها جرمشان در دنیای واقعی زن بودن است. زنانی که مرزها و قوانین مذهبی و سنتی را شکسته و فریاد نه به بیحقوقی و تحقیر را در آنسوی مرزها هم طنین انداز کرده اند در اسارت مناسبات و فرهنگ عقبمانده خانوادگی و اجتماعی جانشان گرفته میشود و دور باطلی از قتل و خشونت وحشیانه در تکراری تلخ چهره کربه خود را به نمایش میگذارد.

در شرایطی که خیزش انقلابی کماکان در اشکال متفاوت در جریان است و زنان همچون پیشقراولان این اعتراضات ظاهر میشوند خبر قتل فجیع ۵ زن در شهرهای مختلف تکان دهنده و غیر قابل باور است. این در حالی است که حتی نیروهای سرکوبگر حکومتی در مقابل اراده و استقامت زنان مستاصل هستند اما در جمع خانواده هستند مردانی که در پی اثبات مردانگی و شرف خود از کانال قتل و کشتار زنان هستند.

اما در دنیای واقعی حکومتی که برای اعتراضات برحق خیابانی حکم دار و اعدام صادر میکند و برای قاتل موناوی جوان که سرش در خیابانهای شهر گردانده شد ۸ سال مجازات زندان تعیین میکند هنوز کشتن زنان نه عجیب است و نه غیر قابل باور. این مجازاتها بیشتر شبیه تشویق به قتل زنان و میدان دادن به قلدری و خشونت افسار گسیخته مردانه است.

ضدیت آشکار و علنی با زنان و وجود قوانین مبتنی بر آپارتاید جنسی در همه زوایا و حواشی این حکومت تنیده است حضور خیزش انقلابی جمهوری اسلامی را در بن

بستی همه جانبه قرار داده و یک فاکتور مهم در تغییر نگاه جامعه نسبت به عرصه مطالبات و حقوق زنان میباشد. با این وجود تا تغییرات ریشه ای و بنیادی در قوانین و مناسبات حاکم بر خانواده و برخورداری از برابری بیقید و شرط زنان و مردان در همه عرصه ها از جمله حیطه زندگی شخصی هنوز راه درازی در پیش داریم.

آنچه که قطعی و غیرقابل بازگشت است این است که هیچ چیز در جامعه و در مناسبات مردم محروم با حکومتی سرکوبگر که شمشیر از رو بسته به پیش از چهار ماه قبل برنمیگردد. نه مناسبات و روابط خانوادگی نه صفتندی هایی که از قبل وجود داشته هرگز به قبل از شهریور ۱۴۰۱ برنخواهد گشت. این روزها و در طی جانباختن معترضینی که در خیابان و زندان جان عزیزشان را از دست دادند شاهد واکنشی کاملاً جداگانه و متفاوت هستیم، مادرانی که بر مزار عزیزانشان سخنرانی میکنند، همسرانی که از آرزوهای شریک زندگیانشان میگویند و عهد میبندند راهشان را ادامه دهند. این روزها علیرغم غم سنگین همگان در سوگ عزیزان از دست رفته اما دیگر شیون و مویه سهم زیادی ندارد. آنچه هست خشم و نفرت است و جایگزین کردن یک فرهنگ تازه در مقابل سنتهایی که از قبل حاکم بوده. این روزها زنان و مردان در خیابان و خانه و دانشگاه از یک درد و یک آرزوی مشترک حرف میزنند، برابری و همسرنشستی همه محرومان و رهایی از یوغ اسارت و بندگی.

اگر تا ۶ ماه پیش تعدادی باد در غیغب مینداختند و دم از حفظ حرمت خود و خانواده با محدود کردن زنان میزدند و با افتخار لکه ننگ را با خون میشستند، بدون تردید در مقابل افکار عمومی و حتی اعضای خانواده نه سرافراشته ای دارند و نه جرات دفاع از این جنایت و فاجعه انسانی. اینجاست که مدعی هستیم هیچ چیز به قبل از شهریور برنخواهد گشت، نه انسانها نه روابط و مناسبات اجتماعی مابین آنان.

امروز اعتراض علنی به قتل زنان نه تنها ممکن است نه تنها بسیار ضروری است بلکه یک وظیفه مهم برای همه کسانی است که در این ۴ ماه همراه و همدوش هم، زن و مرد علیه کلیت این نظم پوسیده در خیابان و مدرسه و محل کار و زندگی خواستار تغییرات ریشه ای و سرنگونی جمهوری اسلامی شده اند. فراموش نکنیم در این ۴ ماه زنان و مردان همراه هم به پدیده زن ستیزی و مختصات آن از جمله حجاب اسلامی به یکسان اعتراض کرده و در به آتش کشیدن آن سهیم و همراه بودند. این اتحاد و پشتیبانی را باید گسترده تر کرد و مبارزه علیه نابرابری، خشونت و قتل زنان را در خیابان به مبارزه با سنن و فرهنگ ارتجاعی در خانواده گره بزنیم. نباید اجازه داد جامعه یکبار دیگر شاهد خاموش قتل و کشتار زنان زیر نام ناموس و حریم شخصی باشد.

۳ فوریه ۲۰۲۳



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!







صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

## وکالت، رضایپهلوی و احزاب

### ناسیونالیست کرد

خیزش انقلابی مردم ایران که شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر، خیابان ها و میداین اصلی شهرها را بلرزه درآورده است و مستقیماً علیه جمهوری اسلامی و هر نیروی ارتجاعی است که بخواهد از بالای سر مردم برایشان تعیین تکلیف بکند. رضا پهلوی که حکومت مستبد پدرش در سال ۵۷ توسط یک قیام مردمی سرنگون شد، با کمک جریانات راست پرو غرب و کهنه ساواکیها، ژنرال های بازنشسته رژیم سابق و سلبریتی های بیمایه که در چهل و چهار سال گذشته در هیچ اعتراض و مبارزه ای علیه جمهوری اسلامی حضور نداشته و چه بسا تعدادی از آنها از جمله اصلاح طلبان سابق در خدمت رژیم اسلامی بوده اند، بجای جوابگویی در قبال جنایات رژیم سابق، با ایجاد حزب ایران نوین، انجمن های مشروطه خواهان و برگزاری کنفرانس و سمینار های متعدد برای رسیدن بقدرت و سوار شدن بر اعتراضات و مبارزات خیزش اخیر مردم خود را آماده میکنند و برای مردم معترض و مبارز در ایران شاخ و شانه میکشند. مخالفین خود را به تجزیه طلبی و طرفداری از جمهوری اسلامی متهم میکنند. در خارج کشور با سازمان دادن لات و لمپنهای اطرافشان تجمع دیگر نیروها را بهم میزنند و با خشونت با مخالفین سیاسی خود برخورد میکنند. کاری که در زمان محمد رضا پهلوی با اجیر کردن شعبان بی مخ ها و لات و لمپنهای اطرافشان به جان مخالفین خود توانستند با یک کودتای ننگین به کمک امریکا دوباره قدرت را در دست بگیرند. جریان بازمانده از سلطنت و هواداران رژیم پهلوی به جای اینکه از مردم ایران نسبت به جنایاتی که بدست ساواک و دستگاههای سرکوبگر انجام گرفت معذرت خواهی کنند، بجای اینکه رضا پهلوی از غارت ثروت و سامان متعلق به مردم ایران که بگفته خودش فقط یک مورد آن ۶۲ میلیون دلار است عذر خواهی کند و توضیح بدهد از مردم ایران طلبکار هم هست. این پول ها جدا از جواهرات فرح و ثروت سرمایه کلانی است که توسط اشرف پهلوی از ایران خارج شد. هیچ فردی از خانواده پهلوی برای بدست آوردن این سرمایه های افسانه ای حتی یک ساعت کار نکرده و زحمت نکشیده، اینها ثروت و سرمایه عمومی و متعلق به مردم ایران است که خاندان پهلوی از ریز و درشت بالا کشیده و با خود بردند. این روزها اطرافیان رضا پهلوی با راه انداختن کمپین من وکالت میدهم جارو جنجال تبلیغاتی دیگری را در رسانه های وابسته به خود براه انداخته و از مردم خواسته اند با اعطای وکالت به رضا پهلوی به وی امکان مذاکره و گفتگو با دول غربی در رابطه با سرنوشت و آینده مردم و حکومت آتی در ایران را بدهند. اما این کمپین نیز مانند دیگر کمپین های ارتجاعی آنها شکست خورد و نتوانست حتی کسانی را که از ابتدا و در آغاز سال تازه میلادی با رضا پهلوی توییت مشترک منتشر کردند (جز علی

کریمی) را در کنار خود نگهدارند و به این کمپین امیدوار کنند. موفقیت این کمپین از ۳۰۰۰۰۰ امضا فراتر نرفت و اکنون رضا پهلوی با حدود ۳۰۰ هزار وکالت نمیتواند بطور واقعی خود را نماینده بیش از ۸۰ میلیون ایرانی بداند. طبعاً رضا پهلوی به مانند هر فرد دیگری حق فعالیت سیاسی دارد. اما بدوا در پیشگاه مردم در رابطه با جنایات چندین ساله پدرش و بدلیل استبدادی که در رژیم پدرش با زندانی و اعدام کردن انقلابیون، کشتار آزادیخواهان و یک حکومت مطلقه که کمترین مخالفتی را برنمیتابید پاسخگو باشد. محمد رضا پهلوی زمانیکه در راس قدرت بود رسماً اعلام کرد ما مخالفین را تحمل نخواهیم کرد، آنها یا حزب رستاخیز را قبول کنند یا از ایران بروند، رضا پهلوی یا جوابگوی این جنایات خواهد بود یا همیشه با این سوال روبرو خواهد بود چرا باید مردم ایران به فرد دیگری از این خانواده جنایتکار و بغایت مستبد برای تعیین سرنوشت و آینده خود وکالت بدهد؟ چرا باید به فردی وکالت بدهند که انسانهای مبارز و معترض ۴۴ سال پیش پدرش را از تاج و تخت به زیر کشیدند و خواهان جامعه ای آزاد و برابر برای همه شهروندان بودند؟ رضا پهلوی نمیتواند نماینده هیچکس جز خودش و اطرافیان معدودی که وی قبول دارند باشد، مردم حاضر در خیابان برای تصمیم گیری در مورد آینده سیاسی خود به کسی وکالت نمیدهند.

## احزاب اپوزسیون در کردستان

نکته دیگری که در این اوضاع پرتحول لازم است به آن پرداخت موضع مرکز همکاری احزاب کرد است. این مرکز از روز اول این خیزش بدنال یارگیری و همکاری با اپوزسیون راست پرو غرب بوده است. در کردورها، سالن کنفرانسها و سمینارهای احزاب راست ارتجاعی بدنال بند و بست و بدست آوردن امتیاز از این و آن بوده اند. عبدالله مهتدی میگوید آقای پهلوی سرمایه سیاسی هستند او بار و بنه خود را بسرعت بست و به کانادا و امریکا رفت که از قافله عقب نماند. از اینکه توییت مشترک سال نو میلادی دیر بدستش رسیده ابراز تاسف کرد و در کنار مسیح علینژاد و دیگران جهت به حساب آوردنش، عکس یادگاری گرفت. خالد عزیززی در مصاحبه ای اظهار داشت، ما برای اتحاد هیچ خط قرمزی نداریم و در رسانه های راست امادگی حزب متبوعش بشرطیکه سهم شان در قدرت را در نظر بگیرند اعلام کرد حاضر به همکاری و همراهی هستند.

امادگی اینها برای شرکت در این ائتلافات در حالی است که رضا پهلوی و راست پرو غرب خیلی روشن و بدون ابهام یکی از سه اصلی که برایشان خط قرمز و خدشه ناپذیر در آینده سیاسی ایران است را حفظ تمامیت ارضی اعلام کردند. جالب است رضا پهلوی در یکی از مصاحبه هایش صریحاً اعلام کرد اگر تنها یک متر از خاک ایران جدا شود، آن ایران، دیگر ایران من نیست. احزاب و جریاناتی که اسب را زین کرده و چهار نعل برای بدست آوردن امتیازات حقیر حزبی از راست ارتجاعی گدایی میکنند، تا بحال سکوت کرده و لال شده اند. تمامیت ارضی در رژیم شاه و جمهوری اسلامی ابزاری برای سرکوب مردم کردستان بوده. طرفداران نقشه گربه ایران از هم اکنون قبل از رسیدن بقدرت شاخ و شانه میکشند و مردم کردستان را تهدید میکنند و حقوق ابتدائی مردم کردستان را که

۵ → ..... وکالت، رضایه‌لوی

خود آینده و سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند، زیر پا می‌گذارد. کل این سیاست و این خط قرمز کشیدن در تقابل با خیزش انقلابی که در ایران در جریان است می‌باشد. شعارها و مطالبات این خیزش، برای رهایی از ستم و تبعیض و استبداد است مردم مطالبات خود را در خیابان، در میدانی شهرها و محل کار و زندگی فریاد می‌زنند. در فردای بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی قرار نیست مردم در چگونگی و نحوه زندگی خود دخالت مستقیم در تعیین سرنوشت خود کنار زده شوند و به فرد یا جریان معینی وکالت بدهند. احزاب ناسیونالیست کرد با نزدیکی به راست پرو غرب برای سهم شدن در قدرت بار دیگر بیربطی خود را به رفع ستم ملی مورد ادعایشان نشان دادند. خیزش انقلابی مردم ایران با مطالبات و خواست‌ها و شعارهایش علیه هر نوع دیکتاتوری ادامه دارد همه طرح و نقشه‌های ضد مردمی را به چالش خواهد کشید.

روشن است مردم ایران، کارگران و زحمتکش‌شان ضمن ادامه اعتراض و مبارزه علیه رژیم اسلامی تا سرنگون کردن این سیستم سرکوبگر باید هوشیار باشند. جریان‌های امتحان پس داده که توسط قیام توده مردم سرنگون شدند مطلقاً هیچ قرابتی با منافع کارگران و زحمتکش‌شان ندارند. مهمترین شرط پیروزی برای مردم مبارز و جوانان و زنان و کارگران در خیابان در این اوضاع و احوال پر تحول سیاسی تشکیل تشکل‌های توده‌ای و شوراهای محل کار و زندگی و دخالت در همه امور اجتماعی است. تنها از این طریق است که یکبار دیگر نیروهای ارتجاعی و قدرت طلب نتوانند در مسیر و پروسه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی سد و مانع ایجاد کنند و مسیر سرنگونی را به نفع خود تغییر دهند. حضور مداوم مردم هوشیار و آگاه در میدان مبارزه تضمین کننده این امر مهم است.

\*\*\*

صالح سرداری

اول فوریه ۲۰۲۳

## بحران ایدولوژیک (پ ک ک) و اقمارش



جمال کمانگر

آمد شاهو عضو رهبری حزب حیات آزاد کردستان- پژاک در مصاحبه‌ای در تلویزیون این جریان به اسم "آرین" که نسخه چاپی آن در "خبرگزاری فرات" وابسته به اقمار پ ک ک منتشر شده است، گفت: "هدف بنیادین اسلام، نجات بشریت است. نجات انسانیت از بردگی و جهالت است. اما نیروهای صاحب قدرت می‌خواهند اسلام را برای اهداف کثیفشان به کار ببرند و انسانیت را برده و زیر دست قرار دهند. انسانیت را در نادانی نگه میدارند! انسانهای که به دنبال آزادی و آگاهی هستند را دستگیر و مجازات و میکشند! بازگشت به راه و اهداف و هسته و گوهر اسلام که خود دمکراتیک است، باعث جلوگیری از کشمکش در خاورمیانه و جهان خواهد شد. کردها که با دل و جان از اسلام دفاع میکنند صاحب راستین و گوهر اسلام هستند!" (ترجمه از متن کردی).

ایدئولوژیهای اسلامی در خاورمیانه جرات ندارند این چنین بر حقانیت اسلام تاکید کنند! در ایران ۴۴ سال است که یک رنسانس ضد اسلامی در حال ریشه دواندن است که به دنبال قتل #مهسا امینی توسط گشت بدنام ارشاد اسلامی در پنج ماه اخیر، و در جریان خیزش انقلابی ما شاهد عروج بخش‌های از رادیکالیسم آن هستیم!

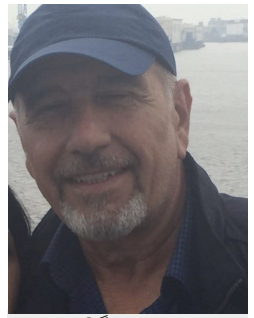
این بار رهبری حزب کارگران کردستان "پ ک ک" روی اسب بازنده اسلام در ایران، ترکیه، سوریه و عراق شرط بندی کرده است! رهبری حزب کارگران کردستان ترکیه و اقمارش در یک بن بست ایدولوژیک قرار گرفته‌اند. ستاره اقبال آنها در کردستان سوریه با نشست اخیر وزیران دفاع روسیه، ترکیه و سوریه در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۲ در مسکو بدون حضور رژیم اسلامی برگزار شد، رو به افول است! رژیم فاشیست اسلامی به عنوان سرکرده "محور مقاومت" و "هلال شیعه" در خاورمیانه که "پ ک ک" بخشی از آن است، در سرایشی سقوط قرار گرفته است. آویزان شدن بیشتر پژاک به اسلام در این برهه از زمان را باید در این متن دید! فقط یک قلم از دست آورده‌های اسلام برای بشریت آپارتاید جنسی بر نیمی از جوامع بشری است. این جریان باید در مقابل هزاران دختر ایزدی که توسط سربازان خلیفه اسلام البغدادی مورد تجاوز جنسی و هتک حرمت و بردگی جنسی قرار گرفتند سرافکننده باشند!

\*\*\*

۲۶ ژانویه ۲۰۲۳



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



سعید یگانه

## کردستان در تحول انقلابی برای سرنگونی

سنگربندی درمقابل نیروهای سرکوب برای روزهای متمادی بخصوص درشهرهای سنندج، سقز، مهاباد، بوکان و مریوان، دیوانده و دهگلان و جوانرود و مهاباد توجه افکارعمومی را به خود جلب کرد و قدمهای جدی انقلاب را به پیش برد. همبستگی عمیق مبارزاتی میان مردم در سراسر ایران حدود و ثغور مرزهای ملی را درنوردید و جمهوری اسلامی را در تلاش برای تفرقه و دودستگی میان مردم نا امید کرد. مبارزات مردم کردستان در این دوره از خیزش و تحول انقلابی درهمبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی مردم تاثیر قابل توجهی داشت و نشاندهنده این است که مردم کردستان نجات خود ازجهنمی که جمهوری اسلامی برای آنها ساخته است، و تنها راه ممکن برای پایان دادن به این همه تبعیض و نابرابری را در همبستگی مبارزاتی و اتحاد سراسری مبارزاتی جستجو می کنند. این همبستگی مبارزاتی نه تنها پاشنه آشیل جمهوری اسلامی که احزاب ناسیونالیست را برای مصادره این مبارزات به اسم خود و رنگ محدود ملی دادن به آن نا امید کرد. این دستاورد مبارزاتی را باید ارج نهاد، تقویت روح و افکارهمبستگی مبارزاتی وظیفه همه ما نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه در کردستان است.

با وجود این ما هنوز در آغاز راهیم. انقلاب برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی تازه آغاز شده است. رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی با سرکوب و خشونت و اعدام و دستگیرهای وسیع در این دوره توانست به درجه ای پیشروی خیزش انقلابی مردم را سد کند. اما این پایان ماجرا نیست. این را هم مردم می دانند و هم جمهوری اسلامی. فرازونشیب مبارزه با یک حکومت دیکتاتوری آنهم با رژیمی تماما مسلح و وحشی طبیعی است. حکومتهای دیکتاتور در مقابل انقلاب مردم یا باید خواست و مطالبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم را پاسخگو باشند یا به سرکوب و خشونت متوسل می شوند. اولی که تماما از توان جمهوری اسلامی خارج است این را مردم در دوره های مختلف تجربه کرده اند و دومی تا کنون علیرغم تمام وحشیگریها جواب نداده و تا ابد جواب نخواهد داد.

جمهوری اسلامی بخصوص در این دوره انقلابی بیشترین ضربه را خورده است، تمام مقدسات آن مورد تعرض قرار گرفته است، زنان در صف اول مبارزه علیه ستم و تبعض جنسیتی تعرض وسیعی را آغاز کردند، جمهوری اسلامی به لحاظ اقتصادی، سیاسی و مشروعیت در بدترین شرایط حیات خود به سر می برد. مردم به دلایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و برای تغییر همه اینها مبارزه کرده اند و نمی توانند کوتاه بیایند. شرایطی که ما اکنون در آن به سر می بریم به یک معنا آرامش قبل از طوفان است. خیزشهای بعدی در راه است. همزیستی اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان با جمهوری اسلامی غیر ممکن شده است. خیزشهای بعدی در راه است که زمانبر است، اما جامعه ایران چاره ای جز عبور از جمهوری اسلامی ندارد. ما چپها و کمونیستها و آزادیخواهان همراه با خیزش انقلابی مردم باید تلاش کنیم که این تحول انقلابی را به انقلابی به نفع کارگر و زحمتکش و پایان دادن به ظلم و ستم طبقاتی و جنسیتی و ملی تبدیل کنیم و اجازه ندهیم بار دیگر احزاب و جریانهای بورژوا از جمله سلطنت و مشروطه، انقلاب مردم را مصادره کنند. این جریانهای جای کوچکترین اعتمادی نیستند. ما نباید به کمتر از حاکمیت شورایی مردم و اداره امور به دست مردم قانع شده و کوتاه بیاییم. کردستان بی تردید می تواند یکی از سنگرهای مهم این انقلاب رهایی بخش باشد.



سعید یگانه

جامعه ایران با پشت سر گذاشتن بیش از چهار ماه ازخیزش انقلابی دوره پر تحول و تاریخسازي را از سر می گذرانند. این تحول انقلابی با تمام فراز و نشیبی که به خود می بیند هدف آن سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به ظلم و ستم طبقاتی و جنسیتی و استبداد مذهبی در همه وجوه آن است. جرقه های این خیزش انقلابی این بار بعد ازقتل مهسا امینی بعد از شروع اعتراض درمقابل بیمارستان محل مرگ مهسا به این جنایت، از کردستان آغاز شد و به سرعت تمام نقاط ایران را در بر گرفت و به جان جمهوری اسلامی افتادند.

مردم در شهرهای کردستان، زنان، کارگران، جوانان همگام با مردم معترض در سایر نقاط ایران بخصوص در چهارماه گذشته سهم زیادی در پیشروی این خیزش انقلابی و تعرض به بنیادهای جمهوری اسلامی و مقابله با نیروهای سرکوب داشته و تعداد زیادی از جوانان جان شیرین خود را از دست داده اند و صدها نفر از فعالین سیاسی و اجتماعی دستگیر و اسیر نیروهای سرکوب شده اند، به عبارت دیگر در این تحول انقلابی شهرهای کردستان به یکی از سنگرهای مهم انقلاب برای آزادی و برابری تبدیل شده است.

کردستان طی ۴۳ سال گذشته به دلیل حاکمیت سپاه اسلامی و ظلم و ستم طبقاتی و ملی که به مردم تحمیل شده همیشه یکی از کانونهای گرم مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی بوده و در مقاطع مختلفی این مبارزات، از مبارزات کارگری تا زنان و جوانان با سرکوب روبرو بوده و به عبارتی شهرهای کردستان از یک طرف به پادگان نظامی تبدیل شده و از طرف دیگر فعالین سیاسی و اجتماعی همیشه مورد تعرض نیروهای سرکوب و دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام قرار گرفته اند. علاوه براین جامعه کردستان جامعه ای متحزب، هم احزاب چپ و کمونیست و هم احزاب ناسیونالیست درتحولات کردستان حضور داشته و حساسیت جمهوری اسلامی و نیروهای امنیتی به آن بیشتر بوده و به این دلیل نیز اختناق و سرکوب یکی از سیاستهای جمهوری اسلامی با استفاده از نیروهای مزدور محلی طی سالهای گذشته بوده است.

علاوه برهمه این عوامل کردستان به لحاظ اقتصادی و استانداردهای زندگی یکی از استانهای فقیر و به لحاظ بیکاری آمار بالایی را به خود اختصاص داده است. دقیقا به همین دلیل بخشی از مردم کارگر و زحمتکش بخصوص در شهرهای مرزی کردستان برای تهیه ابتدایی ترین امکانات زندگی به شغل کولبری مشابه پدیده برده داری روی آورده اند. شغلی که انسان ها بطور دائم با مرگ و زندگی روبرو هستند و روزانه تعدادی از مردم کارگر و زحمتکش در این راه جان خود را از دست می دهند یا توسط نیروهای جنایتکار اسلامی زخمی شده یا به قتل می رسند.

همه این عوامل دلیل برنفرت عمیق مردم، کارگر و زنان و جوانان به تنگ آمده از جمهوری اسلامی و عوامل مزدور آنان در کردستان است و در این دوره خیزش انقلابی، کردستان به آتشپاره ای علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده. حضورگسترده مردم در اعتراضات خیابانی و

# اعدام قتل عمد دولتی است!





عبداله دارابی

## در تقابل با تلاش جنبش راست نباید غافل بود!

سرانجام برسانند و در طی این پروسه خود جایگزین جمهوری اسلامی شوند. آنوقت نظام بردگی و بندگی سرمایه داری دست نخورده را در راستای صلاحدید و منافع خود راه اندازی کنند و حراست و حفاظت از آن را هم به نیروهای آدمکش سپاه و بسیج بسپارند.

سوال این است چرا رضا پهلوی و حواریون وی به تکرار سناریوی سوخته خمینی پناه برده و به آن متوسل شده اند؟

دلیل این کار این است که در اساس منافع و اشتراک طبقاتی هر دو بخش پهلوی و جمهوری اسلامی یکی است. اگر صف و طیف پهلوی بر جمهوری اسلامی پیروز شود از نظر طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در اصل صورت مساله تغییر خاصی به نفع مردم حاصل نمیشود. چیز خاصی غیر از آنچه که جمهوری اسلامی به ارمغان آورد، نصیب مردم نمیشود. رژیم جمهوری اسلامی ادامه دهنده رژیم شاه بود نه چیزی خلاف آن.

در نتیجه، اگر پهلوی و طرفداران رژیم سابق مجدداً ایقا و جایگزین شوند چیزی غیر از تکرار یک پروسه امتحان پس داده و ناموفق اتفاق نخواهد افتاد. نظم و سیستم مد نظر هر دوی اینها یکی است. نظام سرمایه داری مبتنی بر استثمار وحشیانه طبقه کارگر و بیحقوقی مردم محروم و ستمدیده، هر دوی این نظامها بخاطر بقایشان بی محابا به جامعه خون پاشیده اند.

نیرویهای سرکوبگر و آدمکش و ضد بشری از بسیج و ارتش و اطلاعات و نیروهای امنیتی از فاکتورهای ثابت و مورد تأیید هر دو طیف برای ادامه بقا است. رضا پهلوی بی شرمانه تر از سران جمهوری اسلامی، رسماً در تلویزیون در وصف حال نیروهای آدمکش سپاه و بسیج به عنوان نیروهای مدافع و حافظ آینده جامعه ایران بعد از سرنگونی رژیم اسلامی اسم برد.

مهمتر از همه اینها، هر دو نیرو تا مغز استخوان ضد انقلاب هستند و از سرنگونی جمهوری اسلامی به شیوه انقلابی بشدت وحشت دارند و میترسند در برابر خواست مردم بپا خواسته همه چیز را از دست بدهند.

هر دو مشترکاً برای مسخ ماهیت و اهداف انقلابی این خیزش براه افتاده تلاش میکنند. آنها مخالف جدی تغییر نظم موجود و ضدیت آشکار و علنی با انقلاب مردم ایران هستند. به بهانه تمامیت ارضی، مردم معترض را تهدید میکنند. رضا پهلوی رسماً حفظ تمامیت ارضی را به عنوان پیش شرط همکاری

اکتبر میپرسد: جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در جریان است. بهمین خاطر هر یک از جنبشهای چپ و راست در این روند با اهداف طبقاتی-اجتماعی خود میکوشند آلترناتیو خود را به جامعه ارائه دهند. جنبش راست «کمپین من وکالت میدهم» را حول رضا پهلوی به راه انداخته است، داستان چیست و این تلاش در خدمت چه اهدافی است؟

عبداله دارابی: همانطور که اشاره کردید راه اندازی هشتگ «من وکالت میدهم» فقط یکی از تلاشهای رضا پهلوی و طیف حامیان وی است. رضا پهلوی در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد «مردم بیانند به من بگویند نمایندگی مرا قبول دارند تا منم آستینها بالا بزنم» یعنی دوره چانه زنی برای مشروعیت خویش را با دول غرب آغاز کن

رضا پهلوی شیفته قدرت و ونوچه خدمتگزار سرمایه، بدون درس عبرت گرفتن از تاریخ و سرنوشت خاندان خود، با هدف دور زدن و به شکست کشاندن خیزش انقلابی حی و حاضر در خیابانها و مراکز کار و زندگی مردم در سراسر ایران، به عنوان «ناجی و نجات دهنده» بیش از ۸۵ میلیون انسان اسیر و گرفتار دست جمهوری اسلامی در بارگاه آمریکا و دول غرب زانو زند و از این طریق نسخه نجات گذر از جمهوری اسلامی را از آنان بگیرد و به قدرت و حکمرانی خود مشروعیت ببخشد. عجباً! گویی منحرف کردن و به بیراهه کشاندن انقلاب ۵۷ به وکالت خمینی، فرضی است که باید رضاپهلوی هم بخاطر برآورده کردن امیال و آرزوهایش آنرا بجا آورد و با پاشیدن خون به جامعه و کشتار صد ها هزار نفر از آن عبور کند!

رضا پهلوی و فراریان رسوا و از گور بر خواسته برای بازپس گیری قدرت، فشار از پایین را هم بعنوان یک اهرم موثر برای چانه زنی با سران و نیروهای آدمکش رژیم ضروری میدانند و مردم را تشویق میکنند تا رژیم را چنان تضعیف کنند که به مذاکره با آنها تن در دهد. بکارگیری این دو سیاست بطور موازی کاری است که راست پرو غرب، آنرا در دستور خود قرار داده و برای رسیدن به آن به هر ترفندی متوسل میشود. واقعیت این است کل این طیف بدون هیچ استثنایی با سرنگونی جمهوری اسلامی به شیوه انقلابی مخالفند. در نتیجه میکوشند بوسیله مردم رژیم را چنان تضعیف کنند که به مذاکره با دول غرب و آنها تن در دهد تا در نهایت راه سازش و بده بستان هموار گردد، بطوریکه بتوانند از بالای سر مردم پروسه تعویض رژیم را به





عناوین مختلف میکوشند مردم به پا خواسته و انقلاب کرده را تحت نام وکیل و قیوم و انواع ترفند های دیگر فریب دهند و از این طریق آنان را در عرصه تصمیم گیری سیاسی و نهایی برای حال و آینده خود محروم و بی بهره سازند. نسخه ای که رضا پهلوی و حامیان وی برای حال و آینده بعد از سرنگونی تدارک دیده اند و میخواهند به مردم حقه کنند. این اپوزیسیون درمانده و سخیف، با سیاست فریبنده وکالت ابتدا میکوشند هژمونی خود را بر مردم تحمیل کنند تا در پس آن راحت تر و کم درد سر تر آینده بعد از سرنگونی رژیم را هم به نفع خود رقم بزنند.

اما این نقشه خیال باطلی بیش نیست! هوشیاری کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه در بیرون و درون ایران، اتحاد جمع نان به نرخ روز خور های ملی اسلامی و راست پرو غرب، برای پروژة وکالت دهی رضا پهلوی، با کمتر از یک در صدر واجدین رای دهندگان مفتضانه به شکست کشیده شد. مردم به خوبی نشان دادند آزموده را آزمودن خطاست! مردم پیا خواسته با هوشیاری خود نشان دادند فرسنگها از فرهنگ این کمپ دست بوس و بیعت کن و نان به نرخ روز خور فاصله دارند. شکست کمپین انحصار گران چنان اثر گذار بود که، نتوانستند مخالفت و اعتراض و عجز و گلایه درون خودشان را هم پنهان کنند. در راستای این ضرورت است که نیروهای مترقی و چپ، کل طیف حواریون و سیاستگذاران این کمپ ضد کارگری و ضد کمونیستی را بیش از پیش افشا و منزوی کنند.

عبداله دارابی ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳

با دیگر احزاب همپالکی خود قرار داده. آنها مخالف مذهب ستیزی مردم پیا خواسته ایران هستند. محمد رضا پهلوی چند سال قبل از سقوط رژیم پهلوی بجای مدارس و دانشگاه چندین هزار مسجد را ساخت و تعمیر کرد.

**اکتبر میپرسد: شما در این رابطه به تلاشهای همه جانبه راست پروغرب بمنظور تحمیل هژمونی سیاسی خود از بالای سر جنبش جاری و حی و حاضر در خیابان اشاره کردید، برای خنثی کردن و به شکست کشاندن این کمپین، چکار باید کرد؟**

عبداله دارابی: طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران، قبل از هر چیز باید در نحوه سرنگونی رژیم بسیار سنجیده و دقیق عمل کنند، چون ماحصل عمده آینده بعد از سرنگونی به هژمونی دور اول ساقط کردن رژیم جمهوری اسلامی گره خورده است. اگر سرنگونی رژیم به شیوه انقلابی توسط کارگران و مردم آزادیخواه صورت بگیرد بی تردید روند تداوم آینده بعد از سرنگونی بر وفق مراد مردم انقلاب کرده پیش خواهد رفت. بهمین خاطر دوره انقلابی، یک دوره بسیار حساس و پیچیده است که پیشبرد موفقیت آمیز آن در گرو اتخاذ سیاست و تاکتیک و عمل انقلابی دقیق و بموقع میباشد. ماحصل دقیق دوره انقلابی در وهله اول باید به درهم شکستن کامل کل دستگاه سرکوب منجر گردد تا مدافعین وضع موجود سرمایه هم در بقای رژیم و هم آینده بعد از سقوط درمانده و آچمز شوند. اپوزیسیون طرفدار وضع موجود قبل و بعد از سقوط جمهوری اسلامی، به

**حزب کمونیست کارگری - حکمتیست هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفا بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجراء گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میداند.**

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بخش ۲ فصل ۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-Communist Party of Iran  
Hekmatist

**کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!**



# انقلاب خشونت نیست، درهم شکستن توحش و خشونت سازمانیافته موجود است.

لنین

اکتبر نشریه کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر نشریه: ملکه عزتی

مسئول فنی: جلیل رضایی

دبیر کمیته کردستان: صالح سرداری

[saleh.sardari@gmail.com](mailto:saleh.sardari@gmail.com)

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

[Abo\\_sh2008@hotmail.com](mailto:Abo_sh2008@hotmail.com)

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

[www.iran-telegraph.com](http://www.iran-telegraph.com)

<http://hekmat.public-archive.net/>



**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**